

خبر خوش به ناسیونالیستهای عظمت طلب ایرانی!

یک نشریه سیاسی، فرهنگی با عنوان "ایران شمالی" در اردیبهل منتشر شده و به صورت گسترده توزیع شده است. به گزارش گروه فرهنگ و اندیشه! یلنا، این نشریه بدون ذکر نام و نشانی مدیر مسوول و صاحب امتیاز با تیراژ بالا، در تمامی کیوسک های مطبوعاتی اردیبهل منتشر شده است که در مقالات متعددی با عناوین ۲۰۰ سال تلاش دشمنان برای تغییر هویت اسلامی ایرانی مسلمانان قفقاز و ایران شمالی به قلم "هادی اردبیلی"، نامه ای به ایران و همه ایرانیها نوشته "نظامی محمد اف" ترجمه "علیرضا محمدپور حسینی"، ایران ستیزی در کتاب های درسی رژیم باکو به قلم "محمد علی تبریزی"، استقرار پایگاه های نظامی آمریکا در ایران شمالی (جمهوری آذربایجان) گفتگو با حاج "علی اکرام علیزاده"، رهبر حکومت اسلامی ای! ران شمالی با عنوان ما دوران سختی را می گذرانیم، به طور مفصل آورده شده است. گویا این نشریه سیاسی، فرهنگی ایران شمالی (جمهوری آذربایجان) بدون مجوز قانونی انتشار یافته و حتی نام سر دبیری هیات تحریریه آن نیز جعلی و صوری است.

در این نشریه موجودیت جمهوری آذربایجان زیر سوال رفته و سمت و سوی مقالات ذکر شده نشان می دهد که گردآورندگان این نشریه با انتخاب نام ایران شمالی خواهان الحاق جمهوری آذربایجان به ایران هستند.

جنبش گسترده ۲۱ خرداد آذربایجان رژیم را به تکافو انداخته است. رهبران رژیم اسلامی تلاش میکنند هرطور شده و با هروسيله ای که میتوانند این جنبش را سرکوب و ساکت کنند. گویا کشتار تظاهرکنندگان و دستگیری هزاران نفر از فعالین این جنبش کفایت نکرده است که طبق معمول دست به دامن سیاست معروف «بحران سازی در خارج کشور» شده اند. به گزارش سایت ایلنا اخیرا نشریه ای تحت عنوان «نشریه سیاسی فرهنگی ایران شمالی» در اردیبهل منتشر شده است که البته فعلا برای سنجیدن جو نخواستہ اند نام و نشانی و آدرسی از خود برجای بگذارند اما محتوای نشریه خود آدرس دقیق را به خواننده میدهد که این هم از آن طرفد های مرسوم دستگاه های اطلاعاتی رژیم است که سعی میکند با مطرح کردن «ایران شمالی» هم کشورهای ناحیه قفقاز بویژه جمهوری آذربایجان را به چالش بکشد و هم مسئله آذربایجان را بی موضوع جلوه دهد. هم شوونیست های فارس را قلقلک دهد و هم ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی را بیدار و در خدمت سرکوب خود درآورد. به هر حال هرچی که نباشد خبر خوشی است به ناسیونالیست های عظمت طلب رنگارنگ چپ و راست حاضر یراق که از مخالف خوانی دست بردارند و همه چیز را فعلا کنار بگذارند و برای احیای ایران بزرگ در رکاب جمهوری اسلامی شمشیر بزنند!

توزیع نشریه بدون شناسنامه "ایران شمالی" به صورت گسترده در اردیبهل

آقایان! ماموران اعزامی جمهوری اسلامی به نشست سالانه شما نمایندگان کارگران ایران نیستند!

بین المللی کار را ملاحظه میکنید. آقای دیوید کاکفورت، دبیرکل فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل (ITF) آقای کاکفورت عزیز، محترمانه معروض می دارد، پیرو نامه ی به تاریخ ۳۰ می ۲۰۰۶، دولت ایران اخیرا گروهی از اعضای شورای اسلامی کار را به نشست سالانه ی سازمان بین المللی کار (ILO) اعزام داشته است. این افراد به آنجا فرستاده شده اند تا کارگران ایران را نمایندگی کنند. مقررات شورای اسلامی کار در تضاد با قوانین سازمان بین المللی کار است. سازمانیابی این نهاد به نحوی دمکراتیک نبوده است. این گروه توسط حکومت جمهوری اسلامی به کارگران ایران تحمیل شده است.

ادامه مطلب در صفحه بعد

اینکه شوراهای اسلامی کار در ایران نه تشکل کارگری و نمایندگان کارگران بلکه ابزار سرکوب کارگران توسط دولت و سرمایه داران است بر هیچ ارگان کارگری و فعال کارگری پوشیده نیست و تا کنون بارها و بارها این موضوع که افراد اعزامی از سوی این نهاد دولتی به نشست سازمانهای کارگری نمایندگان واقعی کارگران ایران نیستند به اطلاع این نهاد ها بویژه سازمان بین المللی کار رسیده است. اما باوجود این همه اعتراض این نهاد های بین المللی که خود برآستی کارگزار سرمایه هستند به این اعتراضات را در عمل کوچکترین وقعی ننهاده اند. سازمان بین المللی کار که دقیقا در جریان ماهیت شوراهای اسلامی کار قرار داد اما امسال هم بیشرمانه پذیرای ماموران اعزامی رژیم بعنوان «نمایندگان کارگران» ایران به اجلاس سالانه خود است. این بی توجهی به خواست کارگران ایران و دهن کجی به مبارزات طبقه کارگر بار دیگر نشان داد که از این امامزاده ها برای طبقه کارگر ایران معجزه ای بر نخواهد خواست. در زیر نامه اعتراضی سندیکای شرکت واحد به نشست سالانه سازمان

المللی کار را فرا می خواند تا اجازه ندهید افرادی به نام کارگران ایران و در تضاد با کنوانسیون های ۷۸ و ۹۸ قانون بین المللی کار در نشست سازمان بین المللی کار شرکت کنند.

از شما تقاضا داریم گروهی از نمایندگان اتحادیه های بین المللی کارگری و سازمان بین المللی کار را به ایران اعزام کرده و در رابطه با دشواری های سندیکای اتوبوسرانی تهران به تحقیق بپردازند و در هماهنگی با توافقات پیشاپیش پذیرفته شده، خواهان اجرای کنوانسیون های ۷۸ و ۹۸ شوند.

شما، عالیجناب را به اقدام فوری جهت آزادی منصور اسانلو، دبیر اول سندیکای ما و بازگشت به کار ۱۸۰ نفر از کارکنان و کارگران و اعضای سندیکا فرا می خوانیم. این گروه از کارگران به دلیل شرکت در اعتصابات اخیر از کار اخراج شده اند. حقوق آنها در ۹ ماه گذشته پرداخت نشده، و اوضاع اقتصادی آنها بسیار وخیم است.

در پایان، می خواهیم از شما عالیجناب تقاضا کنیم که جهت کمک به این دسته از کارگران اقدامات لازم جهت تهیه ی کمک های اقتصادی بین المللی را در دستور کار خود قرار دهید.

حمایت های شما و همبستگی بین المللی مورد قدردانی ماست.

با احترام

ابراهیم مددی،

نایب رئیس سندیکای کارکنان و کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه
۱۰ ژوئن ۲۰۰۶



من یقین دارم که شما از تعهد ایران به اجرای کنوانسیون های ۷۸ و ۹۸ سازمان بین المللی کار ۱۰۰۴، که در حضور هیئتی از نمایندگان سازمان بین المللی کار، که به همین منظور به تهران اعزام شده بودند، اطلاع دارید.

به دلیل مقررات غیردمکراتیک شورای اسلامی کار و عدم توجه به کنوانسیون های ۷۸ و ۹۸ قوانین بین المللی کار توسط این نهاد حکومت ساخته، نمایندگان اعزامی به نشست سازمان بین المللی کار (ILO) نماینده ی کارگران ایران نیستند.

آقای علی اکبر عیوضی یکی از اعضای این هیئت است. ایشان عضو واحد شماره ی ۱ شورای اسلامی کار اتحادیه ی شرکت های اتوبوسرانی تهران و دبیر خانه ی کارگر در شرق تهران است. او یکی از اعضای گروهی بود که در ۹ می سال گذشته به دفتر ما حمله ور شده، اعضای سندیکای ما را که در محل حضور داشتند مورد ضرب و شتم و توهین قرار دادند. از جمله منصور اسانلو دبیر سندیکای ما را مشخصا مورد حمله قرار دادند که صورت و زبان او با ضربات متعدد چاقو مصدوم شد. اینان همه ی اموال سندیکا را مورد حمله قرار داده، خرد و غارت کردند، از جمله کتاب ها، اسناد، پول و موتوسیكلت های اعضا را به غارت بردند.

آقای عیوضی در جریان اعتصاب سال گذشته ی کارکنان و کارگران شرکت اتوبوسرانی، فعالانه در اخراج اعضای سندیکا و شمار ۱۸۰ نفر از کارگران و کارکنان، با کارفرما همکاری می نمود. ایشان عضو پلیس مخفی موسوم به حراست در اتحادیه ی اتوبوسرانی تهران است. در پی شکایات اتحادیه و اعضای سندیکا که توسط این فرد در جریان حمله به دفتر ما مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند، او صاحب پرونده های قضایی نیز هست.

به رغم همه ی این رفتارهای غیرقانونی، در روز جهانی کارگر، همین فرد به عنوان نماینده ی کارگران ایران بر صفحه ی تلویزیون حکومتی ایران ظاهر شد.
آقای دبیرکل،

سندیکای کارکنان و کارگران اتوبوسرانی تهران، بر منای احترام به قوانین بین المللی کار و مقررات سازمان بین المللی کار و همینطور مسئولیت خطیر شما، شما و دیگر اعضای رسمی نهاد رهبری سازمان بین

از سخنرانی های ارائه شده در نخستین گردهمایی سراسری زندانیان سیاسی

ما که هستیم؟

مجید آزادی

و هر زندانی به شکل و گونه ای به مسائل زندان پرداخته و به گوش دیگران رسانیده است. اما به نکته ای بایستی توجه داشت و آن این که هر زندانی انقلابی، افتخار راه آزادی و سوسیالیسم می باشد، اما بار تحمل شکنجه و زندان بر دوش مادران و پدران، همسران و یا فرزندان بیشتر سنگینی می کرد. از همین رو، خانواده ها در این راه سهمی بزرگ دارند. این سرنوشت سخت و دردناک ولی افتخارآمیز را می توان در صحبت های مادران، همسران و دیگر وابستگان زندانیان مشاهده کرد.

اگر چه امروز فقط تعداد انگشت شماری عوامل حکومتی، نامشان به عنوان زندانی سیاسی در مطبوعات داخل و خارج گفته می شود، ولی هزاران جوان مبارز و انقلابی گمنام در زندان ها به سر می برند، اعدام یا

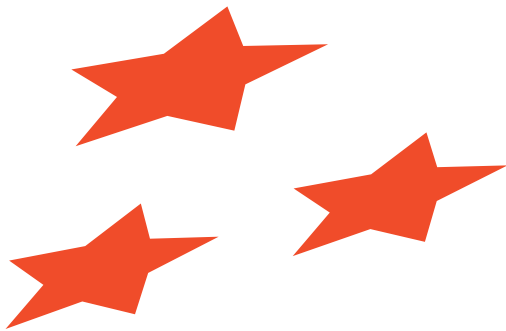
با درود و سلام به یادآوران راه انقلاب و آزادی و سوسیالیسم، با سلام به همه شما و با سپاس از سازمان دهندگان این مراسم که زحمت فراوان کشیدند تا چنین مراسمی موفق به اجرا در آید.

من امروز به صورت کوتاه به دو نکته اشاره خواهم کرد. امیدوارم که بتوانم به درستی آن را بیان کنم. تا زمانی که ظلم و ستم، تا زمانی که دنیای غیرانسانی سرمایه داری هست، بحث زندان و زندانی نیز وجود دارد. دنیای بی رحم سرمایه داری در ایران با همراهی مذهب چهره وحشی تری داشته و دارد. نمی خواهم از زندان و خاطرات زندان بگویم. چرا که در این مورد کتاب ها نوشته شده، مراسم های یادبود گذاشته شده

نیاز مبرم جنبش انقلابی ایران به یک تشکل انقلابی است که بتواند جنبش انقلابی و آزادی خواهی را سمت و سو دهد و از مبلزات پراکنده و تک جوش های انقلابی در جای جای میهن مان پشتیبانی کند. و جای چنین تشکیلاتی در جنبش خالیست.

ما که هستیم؟

تا زمانی که در تنگناهای سازمانی صرفاً شعل دهیم، چه بسا که بیشتر مزوی شویم. راه گریز از چنین بحرانی، پرهیز از تعصبات سازمانی و در اولویت قراردادن رشد مبلزه طبقاتی در جامعه ما می باشد. یا با یک تفکر انقلابی و کمونیستی و با اعتقاد به اصول آن می توان از این بحران رهایی یافت و با جنبش انقلابی و کلگری ایران همراه شد.



ترور می شوند و هیچ خبری و نامی از آن ها نیست. یاد این یاران گمنام گرامی باد.

اما رفقا و دوستان، ما که هستیم؟

ما همان هایی هستیم که در راه جنبش انقلابی ایران با هویت سیاسی و تشکیلاتی به دام رژیم سرمایه داری افتادیم. تک تک مان از فداکاری ها و انقلابی گری های مبلزان جنبش انقلابی که افتخر آفریدند، یاد های بسیلر داریم. از سیاهکل تا گنبد، از کردستان تا جای جای دیگر میهنمان. اما هنوز در اول راهیم با کوله بلری از تجربه چند دهه جنبش انقلابی ایران. این جنبش با تمام ضعف و قوت ها، با تمام بی رحمی های دشمن انقلاب، به راه خود ادامه می دهد. گرچه این جنبش بلون یک الترناتیو سازمان انقلابی به پیش می رود و در این مسیر هویت سازمانی مان کم رنگ تر یا بی رنگ می شود. دیگر زمان آن به سر رسیده که فقط به شعل اکتفا کنیم. دیگر پایان آن دوره است که تحلیل های سیاسی و اجتماعی را فقط از لوله تفنگ نگاه کنیم یا از فیلتر سازمانی عبور دهیم.

این انحراف، بحران و مشکلی است که در چپ ایران وجود دارد و ریشه در جریانی که سرسپرده فکری به اردوگاهی که فاشیسم را در درون خود پروراند و فقر را تقسیم کرد، دارد. جنبش چپ هنوز از چنین نگرشی رهایی نیافته است. سازمان هایی که افتخارات جنبش را به دوش داشتند، امروز به دور از جنبش انقلابی، فقط شعل می دهند. نشست ها برگزار می شود، تبادل نظر می شود، این همه نیرو و انرژی صرف می شود و سرانجام هیچ نتیجه موثری حاصل نمی شود.

اعلامیه شورای مرکزی سازمان درباره تداوم جنگ و کشتار در فلسطین و لبنان

خود اسرائیل «، از مدت ها پیش برنامه ریزی شده بود.» متعاقب حمله به غزه تمام قراین و شواهد نشان از آن داشته و دارند که حمله به لبنان نیز مبتنی بر همان برنامه از پیش تعیین با موافقت آمریکا بمورد اجرا گذاشته شده است و در راستای یک چنین طرح از پیش تدوین شده ای بود که نخست وزیر اسرائیل با بهانه قراردادن اسارت ۲ سرباز اسرائیلی رسماً به مردم لبنان اعلان جنگ داد و دستور حمله و حشیانه به این کشور را صادر نمود. و گرنه هزاران فلسطینی در زندانهای اسرائیل محبوسند و در نهایت همچون گذشته این سربازان می توانستند با اسیران فلسطینی مبادله شده و آزاد گردند.

دولت صهیونیستی اسرائیل که بعنوان عضوی از سازمان ملل تاکنون بارها و بارها بیانیه جهانی حقوق بشر، منشور سازمان ملل متحد، قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت و قطعنامه های سازمان ملل متحد درباره صلح خاور میانه، بخصوص درباره خروج از سرزمین های اشغالی و به رسمیت شناختن حقوق ملی مردم فلسطین در تشکیل یک کشور مستقل را با کمک آمریکا نادیده گرفته و نقض نموده است. این بار نیز بدون کوچکترین اعتنائی به افکار عمومی جهان حمله دمنشانه به نوار غزه و لبنان و تخریب فرودگاه های بیروت و تأسیسات آب و برق و پلها و خانه ها و کشتار غیر نظامیان و جنایتهای دیگر را «جنگ باتروریسم» نام نهاده و به جنگ و کشتار ادامه میدهد. در حالیکه این تروریسم دولتی بوش و اسرائیل است که در پی انتخابات فلسطین بحران کنونی را به

از مقاومت مردم فلسطین و لبنان حمایت کنیم حمله و حشیانه ارتش اسرائیل به لبنان در حالی وارد دهمین روز خود میشود که آمریکا برای تعویق نیروی کشتار و سرکوب آن نه تنها تصمیمات نیم بند سازمان ملل را و ثو و بی تاثیر کرده است، بلکه با سرازیر کردن سلاح های مدرن کشتار جمعی به دولت اسرائیل دامنه آتش این جنگ و کشتار را در راستای اهداف تجاوزکارانه خود گسترش میدهد. در نتیجه این سیاست تجاوزکارانه تاکنون صدها نفر از مردم بی دفاع لبنان کشته و زخمی شده اند و صد ها هزار نفر بی خانمان شده و کشتار و خرابی و آوارگی همچنان ادامه دارد.

و حشیانه ارتش اسرائیل به نوار غزه ویرانی این منطقه، ربودن وزرا و اعضای پارلمان فلسطین به بهانه گروگان گرفته شدن یک سرباز اسرائیلی و متعاقب آن حمله گسترده نظامی به لبنان به بهانه آزاد ساختن دو سرباز اسیر در دست حزب اله اجرای طرحی است که با حمایت آمریکا و سکوت و بی تفاوتی دول غربی و حکومت های دست نشانده آنها در منطقه در حال پیاده شدن است حملات زمینی و هوایی به نوار غزه، ویران کردن تأسیسات زیربنایی، منابع آب و تأسیسات برق رسانی، پل ها و جاده ها و نیز دفاتر وزارت کشور فلسطین، کشتار دهها کودک، زن و مرد بقول رسانه های

ادامه در صفحه ۵

پیش به سوی سرنگونی قهر آمیز جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

گزارشی از تظاهرات اعتراضی به سفر بوش در شهرهای هامبورگ و استرالزوند در روزهای ۱۲ و ۱۳ جولای ۲۰۰۶

در بین مسافران یک زن بولیویایی که تعدادی اعلامیه نیز همراه داشت که در آنها موقعیت مردم در آمریکای لاتین پرداخته شده بود نیز توسط پلیس دستگیر شد. ۱۰۰ نفر مسافران اتوبوسها اعلام کردند که بدون آزاد شدن این زن بولیویایی حرکت نخواهند کرد که بالاخره پس از مدتی پلیس مجبور شد او را رها کند.

این کنترل باعث شد که ما دو ساعت در آنجا بمانیم و وقتی هم به شهر استرالزوند نزدیک شدیم، تمام راهها بطرف شهر بسته شده بود. و با خبر شدیم که اجازه تظاهرات برای ساعت ۱ بعد از ظهر لغو شده است و بالاخره با مشکلات فراوان خودمان را به محلی که قرار بود پس از پایان تظاهرات گردهمایی انجام گیرد رساندیم. میتینگ در ساعت ۲ شروع شد و محل گردهمایی ۱۵ دقیقه با محلی که خانم مرکل صدر اعظم آلمان و جرج بوش مشغول کباب گوشت خوک وحشی و ضیافت بودند فاصله داشت.

بد نیست یادآوری کنم که شهر استرالزوند در استانی قرار دارد که در آن حزب چپ و سوسیال دمکراتها مشترکا حاکم هستند. و یکی از نیروهای شرکت کننده در این تظاهرات هم حزب چپ بود. در حقیقت حزب چپ هم میزبان بود و هم بسیاری از سناتورها و اعضای کابینه این شهر در اعتراض به سفر بوش در تظاهرات شرکت داشتند! مثلا وزیر داخله که عضو حزب چپ است نیز در تظاهرات شرکت داشت.

ما در طول راه اعلامیه های کارزار زنان به زبان آلمانی را پخش کردیم و مجموعا در این شهر و هامبورگ بیش از ۲۰۰۰ اعلامیه پخش کردیم. اعلامیه ما با استقبال روبرو شد و بسیاری می پرسیدند چرا می گوید نه به جنگ و نه به جمهوری اسلامی ایران. و ما برایشان توضیح می دادیم که جرج بوش می خواهد تحت لوای دمکراسی و حقوق زنان به ایران حمله کند و ما می گوئیم ما قیم نمی خواهیم.

در گردهمایی بیش از ۴۰۰۰ نفر شرکت داشتند و بیش از ۱۲۵۰۰ پلیس شهر را قرق کرده بودند. تمام فروشگاهها و مراکز عمومی بسته بود. کسانی که برای استقبال جرج بوش رفته بودند حدود هزار نفر بودند که برخی پلیس با لباس شخصی بودند و برخی هم کارمندان شرکت تلفن و از مردم معمولی خبری نبود. اتفاقا در روزنامه خواندم که از آقایی که از پنجره اتاقش بیرون را نگاه می کرد و دعوت می کنند که بیا در تظاهرات شرکت کن و او به شوخی می گوید نه من نمی توانم چون بن لادن را در خانه قایم کرده ام!

یکی از پیامها از جانب زن مبارزی از اسرائیل بود که بسیار تکان دهنده بود، وی در این پیام سرکوب بیرحمانه مردم فلسطین توسط دولت اسرائیل و هم چنین کمک دولت های امپریالیستی به اسرائیل را محکوم کرد.

پیام دیگر از جانب یکی از نمایندگان «و اس گ» خوانده شد. وی در این پیام گفت آقای بوش حال که شما به کشور ما آمده اید بهتر است دست خالی بر نگریدید و لطفا آن بمب های اتمی تان که هنوز در آلمان هست را با خود ببرید.

نمایندگان نیروهای مترقی از جمله حزب چپ نیز پیام خواندند. شعارهایی که در گردهمایی به چشم می خورد: «جنگ را خاتمه دهید»، «برنامه تدارک جنگ را متوقف کنید»، «بوش خوش نیامدید»....

آقای بوش و همراهانش احتمالا متوجه تظاهرات نشدند چون شهر کاملا بسته بود. یکی از کارهای جالب توسط گرین پیس بود که موفق شدند پلاکارد «نه به بوش» را به پایه های پل اویزان کنند که بسیار جلب توجه کرد. البته پلیس خیلی زود این پلاکارد را پائین کشید و این فعالین را

در تاریخ ۱۲ و ۱۳ ژوئیه دو تظاهرات اعلام شد که «کارزار زنان برای لغو کلیه قوانین نابرابر و مجازات های اسلامی علیه زنان» به فراخوان آنها جواب مثبت داد و فراخوانی نیز برای شرکت در این دو تظاهرات به زبان فارسی، آلمانی و انگلیسی منتشر کرد.

فراخوان اولیه این دو تظاهرات توسط «فرم برای دوستی خلقها و خلع سلاح سراسری جهان» داده شد. یکی از تظاهرات محلی که در شهرهای مختلف اعلام شده بود در روز ۱۲ جولای در شهر هامبورگ بود و یکی هم تظاهرات سراسری در روز ۱۳ جولای در اعتراض به سفر بوش به آلمان در شهر استرالزوند. خانم مرکل صدر اعظم آلمان اعلام کرده بود این دیدار کاملا خصوصی است. وی بوش را به شهری که حوزه انتخابیه اش بود دعوت کرده بود.

در روز ۱۲ جولای جمعی از زنان فعال «کارزار لغو قوانین و ...» و «شورای هماهنگی ایرانیان شهر هامبورگ» در این تظاهرات شرکت کردند. قبل از شروع تظاهرات با بسیاری از زنان افغانستانی شهر هامبورگ صحبت شد که در این تظاهرات شرکت کنند و خواست خود را به گوش افکار عمومی آلمانی برسانند. همانطور که می دانید بسیاری از پناهجویان افغانستانی در شرف اخراج هستند.

زنان پناهجو و آواره افغان در این تظاهرات شرکت کردند. شعارهای آنان «ما اینجا هستیم چون شما کشور ما را اشغال کرده اید»، «ما زنان اینجا هستیم چون در آنجا حق ما را می دزدند»، «اخراج شبانه پناهندگان به اعزام به کوره های گاز شباهت دارد». شعار بزرگ کارزار زنان «نه به جنگ، نه به جمهوری اسلامی ایران، نه به دخالت های امپریالیستی!» نیز توسط فعالین کارزار حمل می شد.

با وجود اینکه بیش از ۱۰۰۰ نفر در تظاهرات هامبورگ شرکت کرده بودند، تعداد شرکت کنندگان به نسبت سابق کم بود. یکی از دلایل عدم شرکت وسیع در تظاهرات هم تبلیغاتی بود که پلیس از قبل اعلام کرده بودند که پلیس برای کنترل و یا جلوگیری از تظاهرات آماده خواهد بود.

در این تظاهرات ما زنان ایرانی و افغانستانی در صفوف اول قرار گرفتیم و در پایان تظاهرات اطلاعیه کارزار توسط مسعودی خوانده شد.

استرالزوند محل استقرار جرج بوش :

در روز ۱۳ ژوئیه ساعت ۸ صبح دو اتوبوس هر کدام با ۵۰ مسافر برای تظاهرات علیه سفر بوش بطرف شهر استرالزوند حرکت کردیم. ما مجموعا ۲۰ ایرانی بودیم که همراه با آلمانی ها و نیروهای مترقی ملل مختلف می خواستیم در این تظاهرات شرکت کنیم.

شعارهای ایرانی در این تظاهرات «نه به جنگ، نه به جمهوری اسلامی ایران، نه به دخالت های امپریالیستی» از طرف کارزار زنان برای لغو کلیه قوانین نابرابر و مجازات های اسلامی و هم چنین شعار «دست امپریالیسم از ایران کوتاه» از طرف شورای ایرانیان هامبورگ بود.

در بین راه حضور بسیار زیاد پلیس غیر عادی بود. در ۱۵۰ کیلومتری شهر استرالزوند اتوبوسها را متوقف کردند. همه مسافرها را پیاده کردند و علاوه بر کنترل ساکها و کارت شناسائی، بازدید بدنی هم انجام شد. البته برای پناهجویان اجازه خاص گرفته بودیم، با این حال آنها را بیشتر کنترل کردند. در این میان یک زن مبارز آلمانی به بازدید بدنی اعتراض کرد و کلیه لباس های خود را در آورد و بطرف پلیس پرت کرد و گفت حالا نگاه کنید تا مطمئن شوید هیچ بمبی در بدنم جاسازی نکرده ام!



وجود آورده و جنگی تجاوزکارانه را بر علیه مردم فلسطین و لبنان آغاز نموده اند .

حمله‌ی وحشیانه رژیم اسرائیل تاکنون صدها کشته، هزاران تن زخمی و بیش از نیم میلیون نفر آواره گزارش به بار آورده است. امپریالیسم آمریکا که سالهاست حقوق بشر کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن و قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل را با وتوی خود به تمسخر گرفته است این بار نیز با حمایت همه جانبه از حملات غیر انسانی اسرائیل به غزه و وتوی قطعنامه سازمان ملل مبنی بر توقف حملات و خروج سربازان اسرائیلی از مناطق اشغالی عملاً راه تهاجم اسرائیل به لبنان را باز کرد. و اکنون نیز با حمایت مادی و معنوی از اسرائیل و ارسال تجهیزات پیشرفته نظامی و مانع تراشی در برابر هرگونه راه حل سیاسی، گسترش دامنه جنگ در راستای استراتژی تسلط بر منطقه را پی میگیرد.

اخیراً در حالیکه دبیرکل سازمان ملل بعد از تردید و تزلزل بسیار خواستار برگزاری کنفرانسی بین المللی درباره لبنان و توقف فوری درگیری ها شد و بعد از آنکه وزیر داع فرانسه آمریکا را متهم کرد که در برابر درخواست جامعه بین المللی مبنی بر ضرورت توقف تجاوزات اسرائیل به لبنان و آتش بس فوری در خاورمیانه مانع تراشی می کند... جان بولتون نماینده آمریکا در سازمان ملل علناً از اهداف واقعی آمریکا پرده برداشت و صراحتاً اعلام کرد که: «ما خواهان پایان توقف بلند مدت خصوصتها هستیم که بخشی از یک تغییر جامع در منطقه و بخشی از یک اساس واقعی برای این روند است» یعنی عملیات تجاوزکارانه اسرائیل بخشی از یک طرح و نقشه جامع در راستای سیاست خاورمیانه ای آمریکاست ، اهدافی که آشکارتر از او اهود اولمرت، نخست وزیر رژیم اسرائیل، در پارلمان این کشور بیان کرد و صراحتاً اعلام نمود که «حملات نظامی به لبنان، برای دخالت در امور داخلی این کشور نبوده بلکه اسرائیل در جنگ علیه اقدامات تروریستی است که کنترل آن در دست کشورهای محور شرارت از جمله سوریه و ایران است.» او اکنون هر روزی که از ادامه این تعرض وحشیانه به هست و نیست و جان و مال مردم زخمیتکش فلسطین و لبنان میگذرد بیشتر آشکار میشود که هدف آمریکا و اسرائیل از این حملات نه آزاد سازی دو سه سرباز اسرائیلی به اسارت گرفته شده توسط حماس و حزب اله بلکه این تهاجمات و تجاوزات نظامی مقدمه یک برنامه و طرح گسترده تری است.

دراینکه مجامع بین المللی از جمله سازمان ملل بارها نشان داده اند که درمقابل با اقدامات آمریکا و متحدین آن فاقد قدرت و کارائی لازم اند و این مجمع بین المللی بیش از آن به آلت دست این کشورها تبدیل شده است که بتواند در راستای «صلح و ثبات» گام بردارد اما این هم واقعیتی است که مقاومت توده های تحت زور و ستم درمقابل جنگ و تجاوز و اشغالگری اولین و تنها وسیله موثر عقب راندن دشمن غدار بشریت و مهمترین عامل بسیج افکار عمومی بر علیه تجاوزگران و موثرترین ابزار فشار بر سازمانهای بین المللی محسوب میشود .

اگر در زیر زردخانه تسلیحاتی آمریکا و اسرائیل و سکوت و مماشات مجامع بین المللی دفاع از حقوق بشر، مقاومت در فلسطین و لبنان با

شکست موقتی مواجه شود و اگر سازمان ملل و دیگر مجامع جهانی مانع از این جنگ خانمانسوز و ویرانگر در محدوده اسرائیل و لبنان نشوند و راه حلی برای آتش بس پیدا نکنند ، این جنگ به صورت اجتناب ناپذیری سایر کشورهای منطقه را هم دربر خواهد گرفت. چرا که هدف آمریکا و اسرائیل از دامن زدن به این جنگ و کشتار تنها سرکوب جریانات اسلامی حماس و حزب الله نیست. بلکه هدف آمریکا از این برنامه مقدمه چینی برای تحریم اقتصادی و فشار نظامی به ایران نیز هست که باتوجه به سیاست های رژیم ارتجاعی و مذهبی و سرکوبگر حاکم بر ایران میتواند به یک جنگ تمام عیار در جهت مطامع سلطه طلبانه امپریالیسم آمریکا نیز منتهی گردد.

برای افکار عمومی جهان روشن است که آمریکا و اسرائیل مسئول درجه اول کشتار مردم و ویران شدن ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی فلسطین و لبنان و نیز کشتار و ویرانیهای دیگری در منطقه هستند که تاکنون به وقوع پیوسته و یا در شرف وقوع اند .

افکار عمومی جهان واقفند که حمله نظامی و گسترش جنگ و کشتار بمنظور ایجاد «صلح و ثبات» ادعائی امپریالیسم آمریکا ، رژیم اسرائیل و متحدین آنها در منطقه دروغی بیش نیست ، که بدینوسیله میخواهند عملیات نظامی و اهداف تجاوزکارانه خود را توجیه کنند . روند صلح و ثبات معایر سیاست های تجاوزکارانه و سلطه طلبانه در منطقه است.

همچنانکه تجربه عراق نشان میدهد این سیاست تنها در خدمت زور و چپاول انحصارات امپریالستی و دول تجاوزگر آنهاست و نتیجه ای جز ویرانی و جنگ و کشتار برای مردم منطقه ببار نیاورده و نخواهد آورد .

ما بار دیگر تهاجم رژیم اسرائیل به نوار غزه و لبنان و کشتار بی رحمانه زنان و مردان و کودکان و تخریب و نابودی این مناطق را شدیداً محکوم میکنیم . ما سیاست های تجاوزکارانه و سلطه طلبانه امپریالیسم آمریکا و متحدین آن در منطقه را محکوم میکنیم . ما بحران سازی در خارج و اعمال سیاست سرکوب در داخل رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران را محکوم میکنیم و معتقدیم که این توده های کارگر و زحمتکش مردم هستند که باید این رژیم ارتجاعی حاکم را سرنگون کرده و سرنوشت خود را در دست گیرند .

زنده باد سوسیالیسم

تظاهرات اعتراضی علیه امپریالیسم و صهیونیسم در دفاع از مردم فلسطین توسط حزب الله لبنان به درگیری انجامید!

بدعوت گروه ابتکار علیه ترور اسرائیل امروز جمعه ۲۱،۰۷،۲۰۰۶ تظاهرات اعتراضی در مرکز شهر کپنهاک - دانمارک با شعارهای توقف ترور اسرائیل علیه مردم فلسطین و لبنان، خروج اسرائیل از سرزمینهای اشغالی، توقف فروش اسلحه دانمارکی به اسرائیل و بایکوت اسرائیل - حمایت از فلسطین برگزار گردید. برگزار کنندگان تظاهرات در یک مصاحبه مطبوعاتی روز پنجشنبه اعلام کرده بودند که آنها با نیروهای مذهبی - ارتجاعی (همچون حزب الله) مرزبندی دارند. تظاهرات اعتراضی طبق برنامه قبلی با موزیک آغاز گردید و حدود ۲۰۰ نفر در تظاهرات شرکت داشتند. هواداران حزب الله لبنان (حدود ۱۵ نفر) با همراهی یک گروه به اصطلاح چپ دانمارکی (انتر ناسیونال سوسیالیست ها - گروه تروتسکیست) وارد تظاهرات شدند و عکس حسن نصرالله رهبر حزب الله را بالا بردند. توسط برگزار کنندگان تظاهرات از آنها خواسته شد که تظاهرات را ترک بکنند، ولی همزمان هواداران حزب الله به چند تن از فعالین چپ ایرانی حمله کردند که منجر به اغتشاش در تظاهرات گردید. اکثریت شرکت کنندگان خواهان ترک هواداران حزب الله از تظاهرات شدند اما آنها تا پایان مراسم حضور داشتند. با آمدن نیروهای پلیس، طبق نقش قبلی هواداران حزب الله به پلیس مراجعه کرده و با نشان دادن و معرفی رفقای چپ ایرانی همزمان خواهان دستگیری آنها شدند. در پایان تظاهرات، هواداران حزب الله رفقای ایرانی را نیز تهدید جانی در آینده کردند. تلویزیون کانال ۲ دانمارک با اشاره کوچکی به این تظاهرات، حمله هواداران حزب الله به رفقای چپ ایرانی را نیز بنمایش گذاشت.

ضرب العجل سه ماهه برای اخراج بیش از نیم میلیون کارگر خارجی

ازبیلآمدن یک فاجعه انسانی جلوگیری کنیم

به نحوی بی سابقه آغلر و به سرعت در حال گسترش است .

در پی اخراجهای دسته جمعی، تعویق های چندین ماهه در پرداخت دستمزد ها، خراج کردن صد ها هزار کلرگر کلرخانه ها و کلرگاه های کوچک از شمول قانون کلر که ناکون میلیونها کلرگر و خانواده آنها را به فقر و فلاکت دچار نموده است . اینک بدنال طرح اصلاحیه قانون کلر به نفع سرمایه داران ، نوبت کلرگران خلرچی رسیده است . تا با قربانی کردن صد ها هزار کلرگر که با احتساب خانواده های آنان سر به میلیونها انسان میزند . ضایعات و تنشهای ناشی از این سیاست های کلرگستیز را برسر کلرگران خلرچی که عمدتا افغانی هستند سرشکن کنند. کلرگرانی که سالهای متمادی است با کمترین دستمزد مورد شدید ترین استئملر قرار گرفته اند. انسانهایی که بواسطه جنگ و کشتلر در افغانستان به ایران پناه آورده و توسط صاحبان سرمایه و صاحب کلران کوچک و بزرگ در بدترین شرایط زیست محیطی و فقدان هرگونه ایمنی و بهداشت محیط کلر به بردگی کشیده شده اند . کلرشبانه روزی زندگی در مزارع کپرها ، آلونک ها در سرمای زمستان و گرمای تابستان بلون داشتن امیدیه آینده زندگی خود را تباه نموده اند. این است هدیه نظام ارتجاعی مذهبی سرمایه دری حاکم بر ایران به انسانهایی که بعد از سالها کلروزحمت و رنج و مصیبت به جای تامین بهداشت ، مسکن ، تامین شغلی، حق بازنشستگی ، بلون هیچ پشتوانه ای از کلر اخراج و بلزور به کشورشان بلزگردانده میشوند. وظیفه کلرگران پیشرو ایران است که با آگاه کردن بموقع سایر کلرگران در مقابل این تعرض غیرانسانی به حقوق ، معیشت و حق اقامت وزندگی هم طبقه ایهای خود ایستادگی کرده و مانع از وقوع فاجعه انسانی بدست سرمایه داران و دولت اسلامی آنها شوند.

در پی اخراجهای دسته جمعی ، تعویق های چندین ماهه در پرداخت دستمزد ها، خراج کردن صد ها هزار کلرگر کلرخانه ها و کلرگاه های کوچک از شمول قانون کلر که ناکون میلیونها کلرگر و خانواده آنها را به فقر و فلاکت دچار نموده است . اینک بدنال طرح اصلاحیه قانون کلر به نفع سرمایه داران ، نوبت کلرگران خلرچی رسیده است . تا با قربانی کردن صد ها هزار کلرگر که با احتساب خانواده های آنان سر به میلیونها انسان میزند . ضایعات و تنشهای ناشی از این سیاست های کلرگستیز را برسر کلرگران خلرچی که عمدتا افغانی هستند سرشکن کنند.

جمهوری وزیو کلر از طرح ضربتی شناسایی و اخراج کلرگران خلرچی که به صورت «غیر مجلز» در کشور مشغول به کلر هستند خیر داده و اعلام کرده است که : از اول مهر ماه این حرکت با کمک وزارت کشور آغاز خواهد شد و ظرف مدت سه ماه امیلوریم بیش از ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر از این افراد را خلر کنیم. وی ادامه داد: طبق املر مراجع امنیتی و وزارت کشور حدود ۸۰۰ هزار فرصت شغلی کشور در دست افغانه و دیگر اتباع بیگانه ای است که غیر مجلز در داخل کشور مشغول به کلر هستند. هفته پیش نیز مدیر کل اشتغال اتباع خلرچی از ممنوعیت استخدام اتباع خلرچی خیر داده بود.

همزمان با اعلام اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و در تلاش برای عقب نماندن از قافله نولیبیرالسم و در راستای نشان دادن حسن نیت و تعهد نسبت به قرارها و دستورات بانگ جهانی و صنلوق بین المللی پول و برای اینکه نشان دهند هیچ گونه مخالفتی با برنامه های اقتصادی دیکته شده توسط این نهاد های سرمایه جهانی ندارند فقط آنچه که میخواهند تضمین تداوم قدرت اقتصادی و حاکمیت سیاسی آنهاست، تعرض به حقوق و معیشت کلرگران

کارگران مبارز صندوق نسوز کاوه با تجمع اعتراضی خود مانع ورود مدیر عامل به درون کارخانه شدند.

این مقام کارگری تاکید کرد: کارگران صندوق "نسوز کاوه" به هیچ وجه اجازه بازگشت مدیر عامل کارخانه را نخواهند داد به گونه‌ای که شب گذشت (سه شنبه شب) شماری از کارگران برای جلوگیری از ورود احتمالی مدیر عامل به شرکت تا صبح در محل ماندند. او گفت: ساعت ۳ بامداد امروز مدیر عامل قصد ورود به کارخانه را داشت که کارگران مانع از حضور وی شدند.

بنابراین گزارش خبرنگار ایلنا، علیرغم قول مساعد اعضای هیات مدیره برای حل مشکلات کارگران، پرسنل شاغل این واحد حاضر به ادامه کار با شرایط فعلی نمی‌باشند و قرار است که شنبه جلسه‌ای با حضور نمایندگان کارگران صندوق نسوز کاوه و اعضای هیات مدیره شرکت و دیگر مسوولان برگزار شود تا تکلیف واحد و حدود ۳۰۰ کارگر آن روشن شود.

تجمع اعتراض آمیز کارگران صندوق "نسوز کاوه"، در شرق تهران امروز نیز ادامه پیدا کرد و به رغم حضور اعضای هیات مدیره و مسوولان کارگری در این واحد، کارگران تاکید کردند که چنانچه وضعیت کارخانه و مدیریت شرکت روشن نشود، بر سر کار خود حاضر نخواهند شد. به گزارش خبرنگار گروه کارگری ایلنا، یکی از نمایندگان کارگران معترض شرکت "صندوق نسوز کاوه"، گفت: صبح امروز نشست مشترک اعضای هیات مدیره و نمایندگان کارگران معترض در شرکت برگزار شد. او گفت: به عنوان نمایندگان منتخب کارگران خواستار روشن شدن وضعیت شرکت و پایان بلا تکلیفی کارگران شدیم و اعضای هیات مدیره همچون گذشته فقط وعده رسیدگی دادند. او گفت: ما از اعضای هیات مدیره پرسیدیم که مالک اصلی کارخانه کیست و کارگران باید مشکلات خود را با چه فردی در میان بگذارند و اعضای هیات مدیره از پاسخ گویی طفره رفتند و صرفاً وعده دادند که مشکلات حل خواهد شد.

این نماینده کارگری گفت: کارگران به نحوه عملکرد مدیر عامل شرکت اعتراض داشته و خواستار برکناری وی هستند و تاکید دارند تا زمانی که به وضعیت مدیریت شرکت و اعمال خلاف قانون وی رسیدگی نشود، به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

او گفت: در جلسه مشترک نمایندگان کارگری، اعضای هیات مدیره، نیروی انتظامی و نماینده اداره کار، خواسته کارگران مبنی بر برکناری مدیر عامل را مطرح کرده و تاکید کردیم که کارگران دیگر حاضر نیستند که مدیر عامل در شرکت حضور داشته باشد.

۲۹ ماه حقوق دریافت نکرده ایم؛ تکلیف ما چیست؟

جمع اعتراض آمیز ۳۰۰ تن از کارگران نساجی "نازنج" قزوین که از ساعت ۱۶ روز دوشنبه آغاز شده است همچنان ادامه دارد.

این کارگران که ۲۹ ماه است حقوق دریافت نکرده اند در مقابل دفتر اخمدی نژاد دست به تجمع اعتراضی زده و خواستار پرداخت حقوقهای معوقه و راه اندازی کارخانه شده اند صاحب کارخانه ۳ میلیارد تومان حقوق کارگران زحمتکش را بالا کشیده است. سرمایه داران که وابسته به مافیای قدرت و ثروت هستند این پولها را در معاملات سودآور به کار میگیرند و کارگران را آنقدر سر میدوانند تا به اندکی از بهره آن پول راضی شده و پی کار خود بروند.

کارگران نساجی نازنج همچون هزاران کارگر دیگر قربانی نظام ارتجاعی سرمایه داری حاکم بر ایران هستند. دولت و سرمایه داران برای بدست آوردن سودهای باد آورده، برای تحکیم موقعیت خویش و اجرای قرارهای نئولیبرالی سرمایه جهانی تاکنون صد ها هزار کارگر را قربانی کرده اند و قصد دارند با بی رحمی و شقاوت تمام به این سیاست ضد کارگری و ضد انسانی خود ادامه دهند. در این مبارزه سود و زیان و مرگ و زندگی برای طبقه سرمایه دار و رژیم جمهوری اسلامی مطرح است و کارگران قربانیان اولیه این تهاجم طبقاتی و جنگ طبقاتی جز متشکل شدن و تشدید مبارزه ای متحد و سازمان یافته راه چاره دیگری پیش روندارند. ما ضمن پشتیبانی از مبارزات کارگران تمام واحد هائی که کارگران آنها در اعتصاب و اعتراض به سر می برند همه کارگران را به اتحاد و مبارزه فرا میخوانیم.

کار کمونیستی

زیر نظر شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
منتشر میشود.

آدرس پستی نشریه

kar-Co
Box 100 63
400 70

SE-GBG Sweden

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست

+۴۶\ ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

سایت سازمان در اینترنت

www.fedayi.org

روابط عمومی webmaster@fedayi.org

شورای مرکزی

centralconcil@fedayi.org

نشریه کار کمونیستی

kar@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org

احمد شاملو

۲۳ مرداد ۱۳۵۹

عاشقانه

بیتوته‌ی کوتاهی ست جهان

در فاصله‌ی گناه و دوزخ

خورشید

همچون دشنامی برمی‌آید

و روز

شرم‌ساری جبران‌ناپذیری ست.

آه

پیش از آن که در اشک غرقه شوم

چیزی بگوی

درخت،

جهلِ معصیت‌بارِ نیاکان است

و نسیم

و سوسه‌یی ست نابه‌کار.

مهتاب پاییزی

کفری ست که جهان را می‌آلاید.

چیزی بگوی

پیش از آن که در اشک غرقه شوم

چیزی بگوی

هر دریچه‌ی نغم

بر چشم‌اندازِ عقوبتی می‌گشاید.

عشق

رطوبتِ چندش‌انگیزِ پلشتی ست

و آسمان

سرپناهی

تا به خاک بنشینم و

بر سرنوشتِ خویش

گریه ساز کنی.

آه

پیش از آن که در اشک غرقه شوم چیزی بگوی،

هر چه باشد

چشمه‌ها

از تابوت می‌جوشند

و سوگوارانِ ژولیده آبروی جهان‌اند.

عصمت به آینه فروش

که فاجران نیازمندتران‌اند.

خامش منشین

خدا را

پیش از آن که در اشک غرقه شوم

از عشق

چیزی بگوی!

زنده باد سوسیالیسم